

خلافت، نظام حکمرانی در اسلام است؛ بدان دین اقامه می‌گردد و نظام اسلام به شکلی کامل و بی‌کاست پیاده می‌شود نظامی برای زندگی که مسلمانان پیش از ما آن را به نیگوتیون وجه به اقامه کردند و بدین‌مان بهترین امتی گشته که برای جهانیان پدیدار شده است، سرزمین‌ها را فتح کردند و قرن‌های متعدای سروران گیتی بودند، ما هرگز رعایت رب‌العالین را به دست نخواهیم آورد، وعده او را تحقق نخواهیم بخشید و نشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم را جامه عمل نخواهیم پوشاند، مگر با به دوتی کشیدن این پروژه سترگ و مجاهدت برای برپایی خلافت را شده بود بر منوح نبوت و همانا ما با تمام وجود باور داریم که این خلافت به اذن‌الله سبحانه‌وتعالی، به زودی برپا خواهد شد. وَغَدَاَ اللَّهُ لَا يَخْلُفُ اللَّهُ وَغَدَاَ وَلَكِنْ أَتَى النَّاسَ الْيَهُودُ وَابْنُ وَغَدَاَ اللَّهُ سبحانه‌وتعالی است؛ الله سبحانه‌وتعالی هرگز در وعده خود خلاف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.



در این شماره می‌خوانید:

آیا نشانه‌های شکل‌گیری یک نظام نوین جهانی پدیدار گشته است؟...
نبره نوین علیه لجسنتک نظامی و اقتصاد روسیه با سیاسی برای گسستن آسیای میانه از مدار نفوذ مسکو؟...
نمایشی دایمیلتیک نیست؛ لشکریان خلافت کشمیر اشغالی را آزاد خواهند ساخت...
فرودگاه ابوالظهور: آیا روبرویی آشکار به عادی‌سازی روابط می‌انجامد؟...
شورای هماهنگی میان عربستان سعودی و سودان، حلقه‌ای از حلقه‌های تجزیه سودان...؟

چهارشنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۸ ه‍.ق، ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۶ م، ۱۱ شهریور ۱۴۰۵ ه‍.ش

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی‌گوید

شماره: ۶۱۵ تعداد صفحه: ۴

مقاله برگزیده

پیمان‌های نظامی؛ نیرنگ‌ها و منافع غربی

شیخ سعید رضوان ابو عواد (ابوعواد)

نظام حکمرانی در اسلام، نظامی یگانه و یکپارچه است، نه فدراسیونی و نه اتحادیه‌ای است؛ یک خلیفه، یک ارتش، یک بیت‌المال و یک دار‌الاسلام، در اسلام جایی برای دولتهای ملگرا و مرزهای ساختگی جغرافیایی وجود ندارد. این امت، امتی یگانه است که جنگ آن یکی و جنگ آن نیز یکی است. از این رو، پیمان‌های نظامی در سایه دولتهای کثونی، تثبیت‌کننده همان تفرقه و ازهم‌گسیختگی فراگیری است که سرزمین‌های مسلمانان را درنوردیده، ضامن تداوم شغف و تاوانی آنان و جولانگه‌های برای غرب است؛ همان غربی که این دیار را در خون مردمانش غوطه‌ور ساخت و آنان را در خدمت منافع خویش به کار گرفت، ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنہ فرمود: «هرگز برای مسلمانان روا نیست که دو امیر داشته باشند؛ چراکه اگر چنین شود، کار و احکامشان دستخوش اختلاف گردد، جماعتشان پراکنده شود و میانشان نزاع و کشمکش درگیرد، آن‌جاست که سنت فروگذارده شود، بدعت سر برآورد، فتنه بالا گیرد و چنین وضعی برای هیچ‌کس مایه صلاح و رستگاری نخواهد بود».

پیمان‌های نظامی در کثون روایات بین‌الملل جای دارند و برای درک درست آن‌ها، تأکیر باید از موقعیت بین‌المللی و دولتهای اثرگذار در آن شناخت داشت و نیز از حقیقت این دولتها که آیا خود صاحب‌اختیار و تصمیم‌گیرنده‌اند یا دولتهایی وابسته‌اند که با اشاره و فرمان بیگانگان به حرکت درمی‌آیند؟

پیمان‌های نظامی، معاهداتی میان دو یا چند دولتند که در آن‌ها متعهد می‌شوند در برابر دشمنی مشترک صف‌آرایی کنند؛ نمونه آن، ائتلاف ملتهای نمرانی در جنگ‌های ملیبی علیه دولت اسامبی، اتحاد کشورهای اروپایی در ویرالویی با آلمان در جنگ جهانی و پیمان ورشو به رهبری اتحاد جماهیر شوروی در برابر پیمان ناتو به رهبری آمریکا است.

حالت، حقیقت پیمان نظامی مسجدهای که میان پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه بسته شد چیست؟ دشمن مشترک در این میان چیست؟ و آیا این پیمان برای یاری رساندن به مسائل و قضیه‌های مسلمانان است؟

ترکیه عضو از پیمان ناتو به رهبری آمریکا است و هرگز ممکن نیست با پیمانی که خود عضو از آن است بجنگد، با منافع آمریکا را به خطر اندازد؛ روایات آن با رژیم یهود نیز دیرینه و استوار است و حتی با جنگ نسل‌کشی در غزه با تجاوز به سوریه و لبنان، بجهور رسمی دستخوش گردن نشد. عربستان سعودی نیز تأمین‌کننده اصلی هزینه‌های مالی جنگ آمریکا علیه مسلمانان است و پایگاه‌های آمریکا در خاک آن جای گرفته و تجاوزات علیه مسلمانان از همین پایگاه‌ها کلید می‌خورد. سرسپردگی پاکستان به آمریکا نیز چونان خورشید در نیمروز، آشکار و تردیدناپذیر است.

در باب قضیه‌های مسلمانان، فلسطینی نزدیک به هشتاد سال است که در اشغال به سر می‌برد؛ مسجد‌الاقصی نخستین قلمبه‌گاه مسلمانان و مراجه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، شملت سالت است که در اسارت است، جنایت‌ها در همد و کثمیر و آنچه چین بر سر مسلمانان می‌آورد، پیش چشم همگان عیان است. جنگ نسل‌کشی در غزه همچنان ادامه دارد، عریدمکشی شهرک‌نشینان در کرانه باختری متوقف نگذاشته، لبنان و کشنات مردمانش و ویرانی شهرها و با خاک یکسان شدن روستاهایش برپاست و سوریه و تجاوزات پدیدری به آن و اشغال سرزمین‌هایش همچنان جریان دارد و پیش از همه این‌ها، جنایات رژیم بشار که بیش از یک میلیون تن از مردم سوریه را به خاک و خون کشید و نیمی از آنان را به پشتیبانی آمریکا و با مشارکت روسیه، ایران و شیخنظامیان وابسته بدان، آواره ساخت.

با وجود این‌ها این رخدادها، هرگز انتقامی برای یاری رساندن به مسائل و آرمان‌های مسلمانان در فلسطین، سوریه، لبنان، کشمیر، ترکستان و دیگر سرزمین‌ها ندیده‌ایم؛ پس بره‌استی ماهیت حقیقی این پیمان چیست؟ و جو ویلسون آمریکا خرسندی خود را از پایمگذاری این ائتلاف ابراز داشت و جو ویلسون، نماینده جمهوریخواه، تصریح کرد که «شکل‌گیری پیمان دفاع مشترک میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان مرهون تلاش‌های پزیدنت ترامپ است. در مقابل، مخالفان دولت ترکمنید، گفتند: «ما هرگز ارتش ترکیه را اسیری در جنگ‌های دیگران نخواهیم ساخت و اجازه نخواهیم داد ترکیه به یک پیمانکارتظامی و طرفی در منازعات منطقه بدل شود».

افزون بر این، فرستادگان آمریکا هرگز این منطقه را ترک نمی‌کنند؛ دستور

با فزونی گرفتن خودکامگی و سرکشی یهود، تا به کی باید تنها به دادخواهی نزد نظام بین‌الملل بسنده کرد؟!

استاد ناصر شیخ عبدالحی



خبرگزاری رویترز به نقل از منابعی گزارش داد که رئیس جدید موساد، که در تاریخ ۲۰۲۶/۰۸/۱۴ تماسی تلفنی با وزیر امور خارجه سوریه برقرار ساخت که طی آن به حضور نظامی ترکیه در سوریه پرداخته شد؛ در پی این رویداد، رژیم یهود روز سه‌شنبه ۲۰۲۶/۰۸/۱۸ فرودگاه نظامی «ابوالظهور» در حومه شرقی ادلب را آماج هشت حمله هوایی قرار داد و باند‌های پرواز و آشیانه‌های آن را هدف ساخت. این رژیم در توجیه این یورش، به توافقی پیشین استاندارد جست که بر حقا وضع موجود در مسائل امنیتی تأکید داشت و مدعی شد که سوریه در آستانه نقض این توافق از طریق اجازه دادن به نیروهای ترک برای استقرار در پایگاه‌های در نزدیکی حلب بوده است.

در این میان، تبارک فرستاده ارتش آمریکا در امور سوریه اظهار داشت: «با تمام توان در پی ایجاد سازوکاری برای حل مناقشه میان رژیم یهود، سوریه و ترکیه هستیم؛ هواپیمایی‌هاى رصد شدند که به سوی شمال و خاک ترکیه حرکت می‌کردند و ممکن بود در پی تدارک پاسخ باشند. اما خوشبختانه طرف‌هایی خرمند و دوردیشی مانع از زخامت بیشتر اوضاع شدند»؛ و همچنین افزود: «این رخدادها تا ۲۰۲۶/۰۸/۱۷، یعنی زمان برگزاری انتخابات رژیم یهود، تداوم خواهد یافت؛ همچنان‌که پایگاه خبری اکسپوس نیز گزارش داد که دولت ترامپ از سوریه خواسته است تا پس از انتخابات این رژیم خوشن‌دارى پیشه کند.

اما موضع حکومت ائتلافی در دمشق از زیان‌الشیبانی، وزیر امور خارجه‌اش، چنین بیان شد: «هرگز هیچ‌کس قصدی برای ایجاد پایگاه ترکیه در فرودگاه ابوالظهور، حضور نظامی دائمی ترکیه یا استقرار نیروهای آن وجود نداشته و این پیام به روشی به طرف «اسرائیلی» مخابره شده است. سوریه به راهکار دیپلماتیک برای بازداشتن اسرائیل از استمرار تجاوزات‌ش پایبند است؛ ما تجاوز اسرائیل به فرودگاه نظامی ابوالظهور را محکوم می‌کنیم، چراکه این اقدام تحریکی ناموجه، نقض آشکار حاکمیت سوریه و تهدیدی علیه ثبات منطقه‌ای و جهانی به شمار می‌رود. ما تلاش کردیم تا با اسرائیل به توافقی دست یابیم. اما آن‌ها از تهدات خویش سر باز زدند؛ با این حال ما همچنان مایل به دستیابی به توافقی با اسرائیل برای کاهش تنش هستیم. پایگاه خبری اکسپوس نیز به نقل

فرصتی برای مخلصان در لشکریان امت تا نصرت خویش را به حزب‌التحریر واگذارند

راست است که آنچه رژیم یهود مرکب می‌شود، بازتاب‌دهنده همان تصویری است که الله سبحانه‌وتعالی در کتاب عزیز خویش برای ما ترسیم فرموده. آنجا که می‌فرماید: «وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكُتُبِ نَقُصَصُهُمْ فِي الْأَرْضِ نَحْنُ وَأَنْتُمْ نَحْنُ كَذِبُوا...» در کتاب [تورات] به بنی‌اسرائیل خبر دادیم که قطعا دو بار در زمین فساد خواهد کرد و سرکشی و برترجویی‌س برتری در پیش خواهد گرفت، اما این ضامی و برتری‌جویی بر تکیه بر ریسمان آنان مردمان است، نه با آنکه به سرت الله سبحانه‌وتعالی و نه برخاسته از توان خویش؛ در انضاق با این کلام پروردگار «سُفِرَتْ لِعِلْمِ الْمَلَائِكَةِ وَإِنَّ مَا تُفَعُّوْنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَتَحِلُّونَ مِنَ النَّاسِ وَتَأْوَلُوا بَعْضُهُمْ مِنَ اللَّهِ وَفَرَّقَ بَيْنَهُمْ ذَاكُمُ الْيَوْمَ بِأَنَّ الْيَهُودَ بَرَأَتِ اللَّهُ وَتَحِلُّونَ لِلنَّاسِ؛ بغیر حق ذاک به مسمو وکتاو یخندون»... هر یک باقیه شوند، دغ غواری بر آنان زده شده است، مگر با ریسمانی از جانب الله سبحانه‌وتعالی و ریسمانی از جانب مردم؛ که امتشام هذند» و به‌خشم الله سبحانه‌وتعالی گرفتار شدند و مهر پیوستگی بر آنان خورد، این از آن روست است که آیات الله سبحانه‌وتعالی می‌نویسند: و یاسمران را به ناسخ می‌کشند و این به کفر آن بود که تاغریه‌های آن‌ها را می‌کشند، و اینکه از آنکه رفته اند الله سبحانه‌وتعالی از دیرباز از آنان گسسته شد. ریسمان آنان مردم نیز در آستانه گسستن است؛ چراکه متاهل‌های غرب از آن‌ها دور برمی‌مانند و شمش افراذر «اوست که دشمنی‌های آنان فرونی گرفته و حاکمان جنایت‌پیشه غرب در راس آنان دولتمردان آمریکا را در تنگنا نهاده است تا دست از پشتیبانی‌هایشان بردارند.

این رخذگاه فرصتی طلایی برای هر انسان خفصی در ارتش‌های اسلام است تا دست دراز شود و نصرت‌التحریر دهد و نصرت خویش را برای برپایی دولت خلافت را شده دوم از آن‌ها دارد؛ دولتی که طوایر حکمرانان حاکمان فرومایه و دست‌نمادیده مسلمانان، همان طوایر اطمینان رژیم یهود و غرب را در هم خواهد پیچید، لشکریان را برای آزادی فلسطین و سراسر سرزمین‌های اشغالی مسلمانان به پیش خواهد راند و ما را به پیه فتح، عزت و رفاهی و عزت خواهد رساند. تا کلام الله سبحانه‌وتعالی تحقق یابد: «وَإِذْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بَعْثًا مِّنْ بَيْنِ أَعْيُنِهِمْ أَنْ ذُكِّرُوا وَلَمْ يَهْتَدُوا» «اوست که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه این‌ها چیره و پیروز گرداند و کافی است که الله سبحانه‌وتعالی گواه باشد».

پایگاه خبری اکسپوس از برگزاری نشست در سطوح عالی در روز یکشنبه در اردن پرده برداشت؛ نشستی که اسعد الشیبانی، وزیر امور خارجه سوریه و رومان گوتمن، رئیس سازمان موساد در رژیم یهود را گرد هم آورد تا به بررسی راه‌های مهار تنش‌ها در پی حملات هوایی اخیر رژیم یهود بپردازند.

پیش از این، رژیم یهود با این ادعا که قصد دارد مانع از تحرکات و تجمیم نظامی ترکیه شود، چندین حمله هوایی به باند‌ها و آشیانه‌های فرودگاه نظامی ابوالظهور در حومه ادلب انجام داده بود؛ ادعایی که دمشق و آنکارا آن را رد کرده و تأکید نمودند که هیچ نیرو یا پایگاه نظامی دائمی ترکیه‌ای در آن پایگاه وجود ندارد.

الشیبانی از طریق رویترز و اکسپوس اعلام کرده بود که دمشق در پی ازسرگیری گفت‌وگوها برای کاهش تنش و دستیابی به توافقی امنیتی، مشروط بر توقف تجاوزها و خروج از سرزمین‌های تازه اشغال‌شده است؛ در حالی که نهادهای امنیتی رژیم یهود بر تحمیل مناطق حائل، خلع سلاح و ممنوعیت هرگونه حضور نظامی ترکیه پافشاری می‌کنند.

در این برهه حساس و سرنوشت‌ساز و در شرایطی که یهود خاک و آسمان کشور را پایمال کرده و پی‌درپی دست به کشتار مردم ما در غزه می‌زند، با جنایتی هولناک و سقوط سیاسی فاحشی روبه‌رو هستیم که در دیدارهای وزیر امور خارجه سوریه با رئیس دستگاه موساد به بهانه «مهار تنش» و «هماهنگی‌های امنیتی» نمایان شده است! اقدامی که سقوطی فزاینده به مفاد مذورتی به شمار می‌رود و پیامد متعوم آن، چشم‌پوشی از حاکمیت، عزت، سرزمین و مقدسات خواهد بود. از همین رو، بیانیه مطبوعاتی دفتر رسانه‌ای حزب‌التحریر ولایت سوریه بر حقایق زیر پای فشرده:

نخست: برگزاری نشست‌های عادی‌سازی با دشمنی که سرزمین ما را غرق کرده و تکبر و خودکامگی‌ها را بر ما روا می‌دارد، خبیثانه‌ترین شکلیات خودگردان اسلو خواهد بود؛ چراکه خیانتی است که تحت هیچ عنوان و بهانه‌ای پذیرفتنی و زیان‌آور و نه عزتی را حفظ نمی‌آید، بلکه راهی است که در آن وابستگی و اسارت به دشمن تحمیل شده و اراده سلب می‌گردد؛ به‌ویژه آنکه شروط تحمیلی امروز، قیومیت امنیتی نامشروعی است که با هدف زیر سلطه نگه‌داشتن ما با ابزار

پایخواهی و خلع عناصر قدرت دنبال می‌شود. دوم: نهاد دادن در مسیر امتیازدهی‌های پی‌درپی به یهودی که پیدایشکنی از ویژگی‌های شناخته‌شده آنان است، لغزشگاهی هملک در برابر دشمنی دیرینه است و سرنوشت ما بهتر از سرنوشت تنشیات خودگردان اسلو نخواهد بود؛ چراکه مذاکره با این رژیم نه سرزمینی را آزاد می‌کند، نه امنیتی به ارفغان می‌آورد و نه عزتی را حفظ نمی‌آید، بلکه راهی است که در آن وابستگی و اسارت به دشمن تحمیل شده و اراده سلب می‌گردد؛ به‌ویژه آنکه شروط تحمیلی امروز، قیومیت امنیتی نامشروعی است که با هدف زیر سلطه نگه‌داشتن ما با ابزار

پایخواهی و خلع عناصر قدرت دنبال می‌شود. سوم: آنچه دیروز جنایت و خیانت شمرده می‌شد، امروز کیاست و هوشمندی سیاسی نیست و تحت هیچ شرایط و توجیهی مشروعیت نمی‌یابد.

این بیانه افزود: اصول و ثوابت با دگرگونی بهانه‌ها و دست‌انگیزها تغییر نمی‌کنند و هر که گمان کند دشمنی آمریکا کوچک و نامرغش‌ان یا بزرگ و ناهان به دستور ایشان، امنیت یا ثباتی به بار خواهد آورد، در توهمی بی‌پایه سیر می‌کند و در پی سراب می‌دود و رخدادهای امروز جز ثمرات تنگ در این سیاست‌های نابردار نیست.

این بیانه مطبوعاتی تصریح کرد: وقیفه امروز همه ما، اعلام برائت کامل از این منکر بزرگ و گناه سهمگین است و تأکید بر اینست که هرگونه توافق امنیتی یا سیاسی با یهود باطل بوده، بیانگر خواست ما نیست و هرگز به آن رضایت نخواهد داد. ما چنین داریم پایان این امت اصلاح نخواهد شد مگر با آنچه آغاز آن بدان سامان یافت: حاکمیت اسلام در سایه خلافت راشد دوم بر مناح نبوت، که حاکمیت شریعت را بازگرداند، زمام امور را به خود امت بسپارد و به دوران ستمگران و زبوان پایان بخشد.

آیا نشانه‌های شکل‌گیری یک نظام نوین جهانی پدیدار گشته است؟

استاد اسعد منصور



طبیعت حاکم بر روابط بین‌الملل در بستر تاریخ، همواره بر پایه رقابت و کشمکش بر سر جایگاه «قدرت نخست جهان» استوار بوده است و هر آن‌کس که بر این کرسی تکیه زند، پیوسته آماج هجوم رقبای آژمندی قرار می‌گیرد که سودای ربودن این جایگاه را در سر دارند.

این سازوکار روابط طبیعی خود را می‌پیمود تا سال ۱۹۹۱ و در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی؛ رقیب اصلی آمریکا که خود از پس جنگ جهانی دوم جایگاه قدرت برتر را تصاحب کرده بود و ایک بر صحنه بین‌الملل یکجائی می‌کرد. در این مقطع، روسیه به عنوان میراثدار شوروی تحت هدایت یلتسین، در پی رقابت با آمریکا برنمیاید، بلکه کوشید در نقش شریک آن ظاهر شود و موقعیت خود را همچون قدرتی بزرگ که حوزه‌های نفوذ شوروی را حراست می‌کند، محفوظ نگاه دارد. این رویکرد تا زمان روی کار آمدن پوتین در سال ۱۹۹۹ تداوم یافت؛ پوتین نیز همین سیاست را پیش گرفت و افزون بر آن، به همکاری با اروپا روی آورد؛ آن‌گاه که فرانسه و آلمان به وی نزدیک شدند و با تشویق‌های پنهانی بریتانیا، محوری را در مخالفت با اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ رقم زدند.

چراکه اروپا پس از فروپاشی شوروی، با وجود تلاش‌هایش، یارای همادری با آمریکا را نداشت؛ گرچه کوشید با بنیان نهادن اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۱، ابیای نقشی اثرگذار در دو بحران بالکان و خاورمیانه و سپس عرضه یورو در سال ۲۰۰۱ برای رقابت با دلار آمریکا، خود را به این همادری بکشد. اما پوتین چون پیمان‌شکنی آمریکا در قبال توافقات مربوط به عدم گسترش ناتو به حوزه‌های نفوذ روسیه را به چشم دید، از تزلزل جایگاه آمریکا در سال ۲۰۰۸ که ناشی از بحران مالی جهانی و ناتوانی‌اش در دستیابی به پیروزی در عراق و افغانستان و زمین‌چینی برای خروج از آن‌ها بود، بهره جست. از این رو دست به اشغال آب‌خزایا و اوستیای جنوبی زد و آن‌ها را از خاک گرجستان که آمریکا نفوذ خود را بر آن گسترانده و نفوذ مسکو را برچیده بود، جدا ساخت و در پی آن، در سال ۲۰۱۴ و پس از آن‌که آمریکا دست‌نشانندگان مسکو در اوکراین را سرنگون کرد، به اشغال کریمه دست یازید.

با تمام این احوال، روسیه به رقابت مستقیم با آمریکا برخاست و سیاست خود را در قالب شریک پی گرفت؛ تا بدان‌جا که مداخله‌اش در سوریه در سال ۲۰۱۵ بر پایه تفاهماتی با آمریکا صورت پذیرفت؛ آمریکایی که در پی سرکوب انقلاب سوریه و حفظ بهره خود بشار بود تا آن‌گاه که جایگزینی برایش فراهم سازد.

هم‌زمان، روسیه همکاری با اروپا را نیز دنبال کرد؛ اروپایی که با امضای توافق مینسک در سال ۲۰۱۵ پیرامون شرق اوکراین با مسکو به تفاهم رسید و از مساله کریمه چشم‌پوشی کرد؛ چراکه هر دو سوی ماجرا می‌کوشیدند با اتکا به یکدیگر، موقعیت خویش را در موازنه بین‌المللی در برابر تخطرات و یکجائی آمریکا تقویت نمایند.

روسیه و اروپا، هر یک به شیوه خویش، کوشیدند با تفاهم با چینی که آمریکا توانسته بود آن را مهار کند و همانند زاین به دولتی در مدار نفوذ خود بدل سازد، جایگاه بین‌المللی خویش را تحکیم بخشد. پس‌بان سه قدرت مستقل پدیدار شدند که هر یک با همکاری با دیگری، در جهت تقویت موقعیت جهانی خود رقم برمی‌داشت.

آمریکا چون این وضعیت را دید، در پی آن برآمد که رشته همکاری میان این قدرت‌ها را از هم بگسلد و آن‌ها را از یکدیگر دور سازد تا بتواند به‌تنهایی با تکتک آن‌ها روبرو شود. از همین رو، با تحریک روسیه به اشغال شرق اوکراین در سال ۲۰۲۲، آتش جنگ اوکراین را برافروخت و توانست روسیه و اروپا را از یکدیگر جدا سازد؛ بستر پیمان میان روسیه و چین را با دست‌انداژ رومبرو کرد؛ چین را به متازعاتی با کشورهای حوزه منطقه‌اش سرگرم ساخت؛ و برخی از آنان توافقات‌های امنیتی بست و پایگاه‌های نظامی را تقویت نمود؛ جنگ اقتصادی علیه چین به راه انداخت و آن کشور را چه بطور مستقیم و چه از طریق تأخیر تهدید کرد که اگر دست به الحاق تایوان بزند، بی‌پاسخ نخواهد ماند.

بدین ترتیب آمریکا بر یک تازی‌خود در عرصه بین‌الملل پای فشرد و برای تثبیت این موقعیت، هژمونی خود را بر پامنا و وژنلا تحمیل کرد تا دامنه نفوذ و تحرکات روسیه و چین را در آن دو کشور محدود سازد؛ کارزاری را علیه کانادا کلید زد و الحاق آن را مطالبه نمود و فشارهای را علیه اروپا بر پایه سبیطر به جزیره گرینلند به راه انداخت.

از تاریخ ۲۰۲۴/۰۴/۲۴ نیز جنگی را علیه ایران، که پیش‌تر در مدار

نبردی نوین علیه لجستیک نظامی و اقتصاد روسیه یا سیاستی برای کسستن آسیای میانه از مدار نفوذ مسکو؟

استاد اسلام ابو خلیل — ازبکستان

طی ماه‌های ژوئیه و اوت ۲۰۲۴، پهنادهای اوکراینی تا جایگاه لجستیکی خویش را در آسیای میانه محفوظ انبارهای لجستیکی شرکت «وایلدبریز» در روسیه را چندن بار هدف قرار دادند که این امر خسارت‌های سنگینی بر توانمندی‌های نظامی لجستیکی آن وارد ساخت. اوکراین این حملات پیش از ۴۰۰ هزار فروشنده را متضرر ساخت و رخ‌داده در روسیه آسیب دیده‌اند. اعلام کرده و هیچ بر پایه برآوردهای «پیش‌داده‌ها»، زیان‌های فروشنندگان ممکن است به ۴۴۵ تا ۵۰۷۰۸ میلیارد روبل و هزینه بازسازی زیرساخت‌ها به ۱۴۷ تا ۲۲۳ میلیارد روبل برسد، در حالی که حجم کل خسارت‌ها بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد روبل (۷ تا ۱۰ میلیارد دلار) تخمین زده می‌شود. این ارزیابی کارشناسان است و برآوردی رسمی و نهایی به شمار نمی‌رود.

اوکراین و وایلدبریز را مجموعه‌ای مرتبط با زنجیره تأمین می‌توانند به حمایت دولت در پاسداری از کالاهای



نظامی روسیه به تصویر می‌کشد، در حالی که روسیه آن را یک شرکت تجارت الکترونیک کاملاً غیرنظامی قلمداد توجه است؛ تصمیمی که وزارت دادگستری آن کشور در نظامی، بلکه بر صدها هزار کسب‌وکار خرد، چرخه لجستیک و بازار داخلی روسیه فشار وارد می‌آورد. این حملات با هدف افزایش هزینه‌های جنگ بر روسیه و تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی آن توجیه می‌شود.

اما مساله پراهمیت‌تر، منطقه آسیای میانه است؛ حملات اوکراین، افزایش خطرات لجستیکی در روسیه، تکاپوی وایلدبریز برای دستیابی به ظرفیت‌های جایگزین و فزونی گرفتن نیاز به انبارها در قزاقستان، همگی در حال بازآرایی زنجیره‌های بازرگانی و لجستیکی منطقه‌ای هستند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که وایلدبریز در جست‌وجوی فضای انبارداری با مساحت بیش از ۱۰۰ هزار متر مربع در قزاقستان است و مراکز لجستیکی و غول‌پیکر و آلمانی و آستانه بنا می‌کند. این امر گویای آن است که هرچند جنگ در خاک روسیه جریان دارد، اما پیامدهای اقتصادی و لجستیکی آن می‌تواند به آسیای میانه نیز سرایت کند.

این وضعیت هم‌زمان خطری جدی و فرصتی تازه برای آسیای میانه پدید می‌آورد؛ آیا این روند به تضعیف نفوذ اقتصادی روسیه در منطقه خواهد انجامید یا آنکه این نفوذ را در بستر زیرساخت‌های تازه تقویت خواهد کرد؟ چراکه

اوکراین، افزایش خطرات لجستیکی در روسیه، تکاپوی وایلدبریز برای دستیابی به ظرفیت‌های جایگزین و فزونی گرفتن نیاز به انبارها در قزاقستان، همگی در حال بازآرایی زنجیره‌های بازرگانی و لجستیکی منطقه‌ای هستند.

از سویی دیگر، ناپایداری زنجیره‌های بازرگانی وابسته به روسیه، آسیای میانه را به مسیرهای دریای خزر، قفقاز جنوبی، ترکیه و اروپا نزدیک‌تر می‌سازد؛ امری که با راهبرد غرب برای خارج کردن این منطقه از یوغ وابستگی به روسیه همخوانی عینی دارد.

از این حیث، حملات پادشده خطرات پیرامون لجستیک داخلی روسیه را افزایش داده و چه بسا بازرایی و توزیع مجدد در زنجیره‌های تجاری میان روسیه و آسیای میانه را شتاب بخشد؛ روندی که بستری مساعد برای راهبرد غرب با هدف کستن از نفوذ اقتصادی روسیه در منطقه می‌سازد.

روسیه چه خواهد کرد؟ همانا روسیه نادره‌گری متغفل در این فرآیند نیست؛ پوتین دستور بازسازی انبارها و زیرساخت‌های لجستیکی آسیب‌دیده را با مشارکت دولت و ارتقای آن‌ها به سطحی نوین از فناوری صادر کرده است.

پاسخ احتمالی روسیه، گذار از انبارهای غول‌پیکر و متمرکز به سوبی شبکه‌های از مراکز لجستیکی منطقه‌ای توزیع‌شده و امین است. از سویی، گسترش دامنه فعالیت شرکت وایلدبریز در قزاقستان این امکان را به مسکو می‌دهد تا یغفلن.

ادامه : با فرونی گرفتن خودکامی و سرکشی نبود، تا به کی باید تنها به دادخواهی نزد نظام بین‌الملل بسنده کرد؟!

پرونده دیگری هولناکتر است: آنان تهدید وجودی علیه خویش را بی‌تردید برخواسته از همین سرزمین می‌دانند و این همان حقیقتی است که عمیاجا شیکلی، وزیر امور یهودیان خارج از کشور این رژیم، آشکارا به آن اعتراف کرد: یقیناً همان‌جا به‌کار رها رهایی روشن است و در و کلید آن آشکار و پهناترانشی به آمدگی، اولویت‌بخشی به ثبات، بازسازی و شکوفایی اقتصادی،دست‌آویزهایی پوچ و باطل بیش نیست. چراکه آمریکا و کودک نامشروعش از هیچ کوششی برای جلوگیری از دستیابی سوریه به هرگونه مؤلفه قدرت اثرگذار فریگذار نخواهد کرد، مگر آن اندازه که بتوانند مردم را از رویاریی با دشمن متجاوزیه صبح و شام خاک ما را لگدکوب می‌کند، بازدارند!

آیا هنوز به ماهیت حقیقی آمریکا پی نبرده‌اند؟ همان که خود را حامی و پیشانی حکومت کثرتی نلود می‌دهد، اما در حقیقت زدی است که سارقان دیگر را به تاراج می‌آورد! و آن‌گاه خود در چهره راننده‌ای یک‌رنگ قاهر می‌شود؟! آمریکایی که بر سر حکومت دمشق منت می‌گذارد که اگر آن نبود، تمام سر در چنگال یهود گرفتار می‌شد، تا بدین‌وسیله آن را به تسلیم می‌بشرد در برابر سوارشایی سوق دهد؟! آمریکایی که نمی‌خواهد سوریه ارتشی نیرومند داشته باشد اماد عتار کار از گف برود و زمام امور به دست فرماندهان مخلمی بیفتد که زاینده سال‌های انقلاب و جهانداد؟

همانا آمریکا در پی آن است که نیروهای امنیتی و ارتش را بر وفق مراد خویش بازآباد کند تا روحیه انتقابی و جهانی ریشموندانه در طول ۱۰ سال گذشته را بزداید! آن هم از رهگذر تنگنا نهادن بر مخلصان و میدان دادن به بازماندگان رژیم سابق، ایادی هجری، آن مزدور یهود و عناصر قسد و گماشتن آنان در کانون تصمیم‌گیری.

اما در خصوص هدف قرار دادن فرودگاه ابوالههور، با وجود سستی و سازشکاری حاکمان مسلمان و گردن نهادن آن در برابر اواور اربابشانش، یهود از هرگونه همکاری و پیوند میان سرزمین‌های اسلامی چنان به وحشت می‌افتد که گویی مصیبتی گوینده بر سرشان فرود آمده است؛ چراکه آنان ملتب و دلاور مسلمانان، اشتیاق برای رهایی کامل از بی‌یغ خواری، زینتی و وابستگی به کافر استعمارگر و شور و بی‌تابی‌شان برای آزادی قبیله نخستین را بدخویی می‌بینند. شام اسلام برای یهود از هر

ادامه : پیمان‌های نظامی، نیرنگ‌ها و منافع غربی

(نقو)، این دولت را بر آن داشت تا راهبر «فرماندهی از پشت صحنه» و تقسیم نقش‌ها میان مهره‌های دست‌نشانده‌اش در منطقه را در پیش گیرد تا اهداف زیر را محقق سازد:

۱. پاسداری از ثبات منطقه در زیر چتر نفوذ خویش.
۲. میزبان از منافع خود و در راس آن‌ها حفظ رژیم یهود و تثبیت آن به عنوان عنصری طبیعی در پیکره منطقه.
۳. وارد آوردن فشار بر ایران برای رام ساختن آن در چارچوب سیاست‌های خویش و تبدیل آن به دوتایی دست‌آموز و مطیع.
۴. حیز خویش و برآمدن چین و در دست گرفتن مهر زنجیره‌های تأمین و انرژی.
۵. به زانو درآوردن تمام کشورهای جهان، از جمله دولت‌های اروپایی، در برابر اراده و خواست آمریکا.
۶. خاک‌ناترکین هدف از میان همه این‌ها که خطری وجودی علیه رژیم یهود نیست و یهودان آمریکا در خورخیزانه به شمار می‌رود، اسلام است؛ اسامی که در آستانه خیزشی ناگهانی از سوی ملت‌های منطقه قرار دارد؛ درست همان‌سان که جهان را با برآمدن پهار عربی غافلگیر ساخت؛ جنبشی که فروپاش از اقدام مردی در گوشه‌ای فراموش‌شده زده شد، منطقه را به خروش اندازد، جریان و مستبدان را به زیر کشید و نزدیک بود، نه آنچه را همانا امت اسلامی زنده است و هرگز نخواهد مرد؛ این امت با نیروی ایمانی و عقیده سلحشورانه خود و با تکیه بر استعدادها و مواهب راهبردی و ثروتهای بی‌کرانی که الله سبحانه‌وتالی بدان ارزانی داشته و هیچ امتی از آن برخوردار نیست، توان دگرگون بردن‌های معادلات را دارد. بی‌گمان بقای غرب و رژیم یهود در گرو‌حضور حاکمانی است که ایز از‌های استعمار به شمار می‌روند. امروز امت در گوره نبردی سرنوشت‌ساز گام نهاده و به اذن الله سبحانه‌وتالی چار پیرومند از آن بیرون خواهد آمد و همانا غرب در جنگ با الله می‌گدونه که پیش از آن امریوت‌های اروپایی رنگ باختند و ناچیز شدند.
۷. جنگ علیه ایران و تلاکمی و یکسره کردن نبرد، در پی‌شکست برتری نظامی، محلات هوایی و سامانه‌های پدافند هووشکی در دستیابی به اهداف پیش‌تعیین‌شده.
۸. برآورد نادرست از مدت‌زمان جنگ و پیامدهای آن بر اقتصاد جهانی و مواضع کشورهای ذی در قبال آن.

به‌تخلیل رقتن جنگ‌افزارها و مه‌مات آمریکاتا مرزی بحرانی و هشداردهنده، فورسایش بودجه دفاعی به سبب هزینه‌های گزاف جنگ و بی‌رانی‌های خرده‌ده در پایگاه‌های نظامی، امری که بازنگری در حضور نظامی و پراکندگی پایگاه‌های آمریکا را به ایک انگیزش‌بخش و بی‌دفاع گشتماند، ناگزیر خواهد ساخت، در مقالهای فصل در مجله آمریکایی فارن افرز، مارک لینچ، استاد علوم سیاسی و امور بین‌الملل در دانشگاه جرج واشنگتن، پیش‌بینی می‌کند که همانا شاهد فروپاشی و زوال «خاورمیانه آمریکایی» خواهد بود، درست به گونه‌ای که پیش از آن امریوت‌های اروپایی رنگ باختند و ناچیز شدند. چکیده سخن آن‌که، شکست آمریکا و پیامدهای آن بر جایگاه این کشور در جهان بر نظام بین‌الملل و نهادهای وابسته بدان و بر پیمان ائتلتیک شمالی

قایق‌های مرگ جان جوانان تونس را در می‌ریاند

بیانه مطبوعاتی دفتر رسانهای حزب‌التحریر ولایت تونس اعلام کرد: در حالی که سالانه دهه هزار تن از فرزندان ما از تحصیل باز می‌مانند و به گوشه خیابان‌ها رانده می‌شوند تا هممه بیگاری، مواد مخدر، تبهارکی و قایق‌های مرگ گردند، خود را میان سرگردانی در پی ابتدایین‌های نیازهای روزمره از آب آسایش‌نی سالم تا برق و میان مهاجرت، به جان خریدن دیوار سبهم‌گیر دیرا و فرورفتن در ناشناخته‌های زندگی برای یافتن برده‌خواری از سفره غریبه که ثروتهای دیارشان را به تاراج می‌برد و خوشان را می‌کشد، گرفتار می‌یابند؛ چنان‌که در ۱۳ تن از جوانان شهر سن قزوه، تونس، پس از سفری پنهانی به سوی اروپا بر اثر غرق شدن خوارچ پاکشان به قبرستان زندانبای قزوه‌ایان قایق‌های مرگ افروخته شود؛ فاجعه‌ای دردناک که نه نخستین رویداد است و نه آخرین آن خواهد بود، تا زمانی که جوانان این امت از ثروت‌های سرزمین خویش محروم گشته و درهای کار و زندگی دست‌مزدانه بر رویشان بسته مانده است.
بیانیه در خطاب به مردم تونس افزود: «إنّنا لا نبتأس من رّوح الله إلی القوم الکافرون»؛ همانا جز گروه کافران، کسی را رحمت و کشایش الله سبحانه‌وتالی تا امید نمی‌شود. پس با وجود این واقعیت اندوه‌بار که رژیم‌های مزدور و حاکمان ستم‌پیشه و آسیب‌بران رقم زده‌اند، رهایی ما از این چنگال‌ها و بازگشت به جایگاه پیشوایی و سرآمدگی که الله سبحانه‌وتالی برای ما پسندیده، از پلنگ‌زدنی به ما زدیک‌تر است؛ به این شرط که رژیم‌های وضعی را از ریشه برکنیم، به ریسمان استوار الهی چنگ زنیم و به شریعت بر تمام‌العین وفادار مانیم، در انطباق با این کلام پروردگار: «وَأَنْ تَأْتُوا مَعَ الْإِطِيقَةِ لِلْمُنْتَظِمَاتِ»؛ ه غفاه، «و اینکه اگر بر طریقه حق پایداری می‌ورزیدند، قطعاً آبی فراوان به آنان می‌نوشانیدیم [و روزی‌شان را فراخ می‌ساختیم]».

این بیانیه تاکید ورزید؛ حکم به آنچه الله سبحانه‌وتعالی فرورفرستاده در سایه خلافت، تنها پناهگاه امنی است که جوانان مسلمان را حراست می‌کند، سرپرستی امورشان را بر عهده می‌گیرد و ثروت‌هایشان را پاس می‌دارد و بجای اندیشیدن به هجرت، سزواران است که تمام خشم مهاجران بر سر رژیم‌های حاکم در سرزمین‌هایشان فرود آید تا آن‌ها را از بن برکنند و نظامی را جایگزین سازند که گرامتشان را در دیار خودشان می‌بایست که و زندگی شرافتمندانه‌ای را در پرتو خیرات فراوان و گنجینه‌های نهمه‌ای که الله سبحانه‌وتعالی به سرزمین‌هایشان ارزانی داشته، برای آنان تضمین نماید.

نمایشی دیپلماتیک نیست؛ لشکریان خلافت کشمیر اشغالی را آزاد خواهند ساخت

استاد محمد عبد الله –کشمیر اشغالی

اظهارات اخیر سرجیو گور، سفیر آمریکا در هند، که طی آن جامو و کشمیر اشغالی را «بخشی مهم از هند» خواند و در پی آن اعتراض نمایشی وزارت امور خارجه پاکستان که در قالب احضار کاردار آمریکا در اسلام‌آباد جلوگر شد، بار دیگر از ژرفای فریبکاری و حقیقت مقاصد سیاسی قدرتهای استعمارگر کافر و رژیم‌های دست‌نشانده‌شان در سرزمین‌های اسلامی پرده برمی‌دارد. روزنامه هندوستان تایمز در ۱۹ اوت گزارش داد که سفیر گور در نخستین سفر خود به سرتارگر که نخستین سفر مستقل یک سفیر بر سر کار آمریکا از سال ۲۰۱۹، یعنی زان لغو خودمختاری و انضمام رسمی این منطقه به هند به شمار می‌رود، اعلام کرد جامو و کشمیر «بخشی مهم از هند» است. این سخن تعارفی دیپلماتیک نبود، بلکه اعلام وفاداری حساب‌شده‌ای به دولت هندو بود؛ دوتلی که حیاتبش بر اشغالگری در کشمیر استوار است.

اما واکنش رژیم پاکستان، همان‌گونه که الجزیره در ۲۰ اوت گزارش داد، تنها احضار دیپلمات آمریکایی و تسلیم آنچه اسلام‌آباد «اعتراض شدیداللعن» در رد توصیف کشمیر تحت اشغال هند به عنوان «بخشی از هند» خواند، بود. حال این بدیهستان نمایشی در باطن خود چه حقیقتی را فاش می‌سازد؟ این ماجرا آشکار می‌کند که قسبه کشمیر همواره از سوی قدرتهای استعمارگر کافر و بر وفق محاسبات دگرگون‌شونده راهبردی‌شان رقم خورده است. بنابراین، اظهارات سفیر گور نه اشتباهی غریعده بود و نه لغزشی زبانی در عرصه دیپلماسی؛ بلکه پیامی عمدی و چراغ سبزی به ملی‌گرایان هندو بود تا به اشغالگری خویش در کشمیر مداوم بخشند.

واکنش رژیم پاکستان با احضار دیپلمات آمریکایی، تقدیم «اعتراض شدیداللعن» و تاکید دوباره بر مناقشه‌برانگیز بودن وضعیت کشمیر، چیزی جز یک خیمه‌شبزاری سیاسی نیست. این نمایش، بازی عروسک خیمه‌شبزاری‌ای است که به آن فرمان داده‌اند ونامود کاذب خشمگین است، در حالی که در باطن در نهایت سرسپریدگی و اطاعت به سر می‌برد.

جناح‌های حاکم بر پاکستان، چه نظامی و چه غیرنظامی، چه آنان که داعی «اسلام‌گرایی» دارند و چه سگوارهای آشکار همواره مزدوران قدرتهای استعمارگر بودند، پاکستان هرگز تلافی راستین برای آزادی کشمیر نگرفته است، بلکه آرمان کشمیر را دست‌آویز برای مشروعیت‌بخشی به خویشن ساخته و هر زمان که نیاز داشت افکار عمومی را از شکست‌هایش منحرف سازد، عواطف روده‌ها را برمی‌انگیزد، در حالی که در خفا واقعیت موجود را پذیرا شده بود. ارتش پاکستان نیز جنگ‌هایی بر سر کشمیر به راه انداخت، نه به نیت آزادی آن، بلکه برای میزابت از قدرت، امتیازات ویژه و منافع دولت ملی‌ای خود.

مساله بنیادینی که آمریکای استعمارگر و مزدورانش در پاکستان از پرداختن به آن سر باز می‌زنند، این است که کشمیر سرزمینی اسلامی است. اما موضع آمریکا در قبال کشمیر خواه آن را «بخشی مهم از هند» بشناسد یا «منطقه‌ای مناقشه‌برانگیز»، توصیف کند،

هشدارها نسبت به نقشه رژیم یهود برای تصاحب ۷۰ درصد از مسجدالاقصی

به گزارش مجله «الوعی» شماره ۴۸۲ (خلاصه): دکتر حسن خاطر، رئیس مرکز بین‌المللی قدس، اظهار داشت که مقامات اشغالگر از زمان اشغال شهر قدس در سال ۱۹۶۷، خطاهای آن تلاش برای تحمیل سلطه مستقیم خود بر مسجدالاقصی دست برنداشته‌اند. یق خاطران سخات که برهنه کنونی شاهد گذار به «مرحله‌ای به‌مراتب خطرناک‌تر» است که هدف از آن، سلب هویت اسلامی مسجد و تبدیل آن به یک پایگاه امنیتی زیر یوغ تدابیر اشغالگران است.

خاطر روشن ساخت که یکی از بارزترین نقشه‌های کنونی، هدف قرار دادن بخش شرقی مسجدالاقصی است که مملای باب‌الرحمه و محن‌های پیرامون آن را در بر می‌گیرد؛ از رهگذر تبدیل تدریجی آن به منطقه‌ای بسته که از حیث امنیتی توسط مقامات اشغالگر اداره شده و از سایر بخش‌های مسجد جدا گردد.

در همین پیوند و پیرامون نقشه‌های تجزیه، خاطر به طرح پیشنهادی عمیت هابویی، عضو کنست از حزب لیکود در سال ۲۰۲۳ اشاره کرد؛ طرحی که خواهان تحمیل حاکمیت رژیم یهود بر بخش‌های پهاویری از مسجدالاقصی است.

خاطر تاکید ورزید که عملیاتی شدن این نقشه به هتای بسط سیطره اشغالگران بر نزدیک به ۷۰ درصد از مساحت ۱۴۴ دوحی مسجدالاقصی و دگرگونی تقسیم زامنه به یک تفکیک و جداسازی مکانی همیشگی است؛ درست همانند فاجعه‌ای که در مسجد ابراهیمی شهر الخلیل رقم خورد. تحلیل‌گران بر این باورند که نقشه‌های کنونی در چارچوب تدابیر امنیتی گذرا نمی‌گنجد، بلکه نمایانگر روندی هدفمند و پیوسته برای دگرگون ساختن هویت مسجدالاقصی و تحمیل واقعیتی نوین بر روی زمین است، از طریق از هم گسستن یکپارگی جغرافیایی و اداری آن.

آیا زمان آن نرسیده است که امت برای بازپس‌گیری حق خویش در بیت با خلیفه‌اش بشتابد؟!

امروز بر امت اسلامی واجب است که برای بازپس‌گیری حاکمیت ستم‌شده‌اش به پی خیزد، نه آن‌که از کافر استعمارگر چشمداشت بی‌خبر داشته باشد یا به مزدورانش امید رستگاری جوید؛ چراکه اسلام حاکمیت را از آن آت داده است، بدان‌گونه که گماشتن حاکم که همانا خلیفه مسلمین است، تنها با ایزت شرعی از سوی امت صورت می‌پذیرد. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم نیز حاکمیت را از دست امت برگرفت، نه با زور، غلبه و قهر، از بدیه بن صامت روایت شده است که گفت: «با رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم بر شوالی و فرمان‌برداری در توانمندی و توانوی و از آسانی و دشواری بیعت گردیم، و از عیدالله بن عمرو بن عبس روایت است که سفید رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم می‌فرماید: «و هر کس با پیشوایی بیعت کند که دست پیمان بدو سپارد و از عقی دل او با همییمان شود، تا آن‌جا که در توان دارد باید از او فرمان برد؛ پس اگر دیگری آمد تا در امر خلافت با او ستیز کند و آن را از چنگ درآورد، گردن آن دیگری را بزنند» و از عیدالله بن عمر روایت است که گفت: سفید رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم می‌فرماید: «هر کس دست از پیمان بردارد، روز سرتاخیز این سبحانه‌وتالی را در حالی دیدار خواهد کرد که هیچ جتنی برای او نیست و هر کس بمبرد در حالی که بیتی بر گردنش نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است» و از ابوهریره از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم روایت شده است که فرمود: «بر بنی‌اسرائیل پیامبران زمامداری می‌کردند؛ هرگاه پیامبری از دنیا می‌رفت، پیامبری دیگر جانشین او می‌شد و هتانا پس از من هیچ پیامبری نخواهد بود و زودا که خلیای بیایند و شمارشان بسیار گردد، گفتند: پس ما را چه فرمان می‌دهی؟ فرمود: به بیعت نخستین و سپس بعدی‌ها وفادار بمانید و قضاشان را ادا کنید؛ چراکه الله سبحانه‌وتالی از آنچه سرتاخیز‌اش را به آنان سپرده است، بازخواستشان خواهد کرد.

این احادیث و روایاتی دیگر، به روشی داللت دارند بر این‌که خلیفه که همان حاکم در اسلام است، تنها با بیعت مردم به حکومت می‌رسد و این بیعت بر پایه عمل به کتب الله سبحانه‌وتعالی و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآلوسلم بسته می‌شود؛ پس او جری شریعت الله سبحانه‌وتعالی و پاسدار امت است، نه مزدور و دست‌نشانده کنسی.

فرودگاه ابوالظهور: آیا رویارویی آشکار به عادی سازی

روابط می‌انجامد؟

مهندس وسام الاطرش

بمباران فرودگاه نظامی ابوالظهور در حومه ادلب در تاریخ ۱۸ اوت، صرفاً پوششی تازه از سوی رژیم بعود بر خاک سوریه نبود. این رژیم در شرایطی این پایگاه را آماج هشت حمله هوایی قرار داد که نقش ترکیه در بازسازی ساختار نظامی سوریه رو به فروپاشی نهاده بود و فرودگاه نیز در فاصله‌ای نزدیک به ۶۰ کیلومتری مرزهای ترکیه جای دارد. رژیم بعود این تهاجم را مصادره به حضور نظامی احتمالی ترکیه پیوند زد؛ چنان‌که نتانیاهو مدعی شد دمشق در آستانه اجازه دادن به نیروهای ترک برای استقرار در این پایگاه بود. امری که رژیم بعود آن را خطری علیه امنیت خویش قلمداد کرد، در حالی که آنکارا و دمشق وجود چنین استقراری را تکذیب کردند. (الجزیره نت، ۲۰۲۶/۰۸/۱۹)

بدین‌سان این بمباران در ظاهر، پاره‌ای از کشمکش فزاینده بر سر نفوذ در خاک سوریه به چشم آمد، تا آن‌جا که بسیاری از تحلیل‌های رسانه‌ای آن را نشانه‌ای از نزدیکی رویارویی میان رژیم بعود و ترکیه جلوه دادند. هم‌گام با گسترش همکاری‌های نظامی میان آنکارا و دمشق و احتمال مشارکت ترکیه در ارتقای توانمندی‌های نظامی سوریه، خاک این کشور به میدانی برای آزمون مرزهای نفوذ دو طرف بدل گشت.

اما رخدادی که دلالت ژرف‌تری دارد، نه در عرصه نظامی، بلکه در سطح سیاسی روی داد. گزارش‌ها فاش ساختند که روان گوفمن، رئیس موساد، در تاریخ ۱۴ اوت تنها چند روز پیش از حمله به ابوالظهور، تماسی تلفنی با اسعد الشیابی، وزیر امور خارجه سوریه، برقرار ساخت که حضور نظامی ترکیه در سوریه از محورهای بنیادین این گفت‌وگو بود. سپس، تنها چند روز پس از بمباران، همان الشیابی با رئیس موساد در نشست‌ی عالی‌رتبه در اردن، که به بررسی کاهش تنش‌ها اختصاص یافته بود، دیدار کرد. (الجزیره، ۲۰۲۶/۰۸/۲۳)

تناقض درخوش تاملی که باید بر آن درنگ کرد دقیقاً در همین‌جاست: اگر بمباران فرودگاه ابوالظهور، بر وفق ادعای نظامیان بعود با هدف مناعت از گسترش نفوذ ترکیه در سوریه انجام شد، بی‌گمان یکی از بارزترین پیامدهای سیاسی آن، کشاندن دمشق به کاتال ارتباطی مستقیم با تل‌آویو بود. تا بدین‌گاه که کار به دیدار وزیر خارجه‌اش با رئیس دستگاه موساد انجامید. از این رو، پرسش اساسی دیگری تنها ماهیت هدف نظامی نیست، بلکه روند سیاسی گشوده‌شده در پس آن است: آیا کاهش تنش صرفاً اقدامی امنیتی برای مهار رخدادی گذرا بود یا گامی در مسیری فرارگستر برای سوق دادن تدریجی سوریه به درون شبکه‌ای از تفاهات با رژیم بعود؟

اهمیت این پرسش آن‌گاه دوچندان می‌شود که به ماهیت روابط میان ترکیه و رژیم بعود بنگریم. ترکیه عضوی از پیمان صلیبی ناتو است و هم‌زمان کشوری است که پیوندهای رسمی دیرینه‌ای با رژیم بعود دارد؛ پیوندهایی که حتی در بحبوحه نبرد بیروت علیه غزه، علی‌رغم آوج‌گیری شدید لحن سیاسی‌اش علیه آن رژیم هرگز گسسته نشد. در اینجا اقدامی بنیادین در تحلیل مناسبات بین‌المللی رخ می‌نماید: سیاست را نباید صرفاً با شعارها و بیانیه‌ها سنجید، بلکه باید آن را بر مدار رویدادهای پشت درهای بسته و مسیرهای عملی برآمده از آن ارزیابی کرد.

از این منظر، بایستی به تصویری که بسیاری از رسانه‌ها از رویارویی قریب‌الوقوع میان ترکیه و رژیم بعود ترسیم می‌کنند، با دیده تردید و هویشاری نگریست. چه بسا تراز هم بر سر نفوذ امری واقعی باشد و منافع دو طرف در سوریه با یکدیگر اصطکاک یابد، اما این امر لزوماً بدین معنی نیست که سرانجام، کار و رویارویی مستقیم و تمام‌عیار خواهد بود. ترکیه و رژیم بعود هم‌زمان مجاری ارتباطی و منافع درهم‌تنیده‌ای دارند و هر دو درون منظومه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با چارچوبی مشترک تنفس می‌کنند، در حالی که آمریکا همچنان بازیگر اصلی در مهار و تنظیم توازن‌های این منطقه بر جای

آمریکا و کامی‌پشرفته برای جدا ساختن دارفور از رهگذار منطقه پرواز ممنوع!

منابع دیپلماتیک به الشرق یوبمیرگ گزارش دادند که مسعد بولاس، مشاور رئیس‌جمهور آمریکا در امور عربی و آفریقایی، خواهان برگزاری نشست در شورای امنیت سازمان ملل متحد در روز دوشنبه پیرامون پرونده سودان شده است؛ بر پایه این منابع، بولاس در این نشست طرحی را برای اقراری منطقه پرواز ممنوع در مناطق تحت سیطره نیروهای مسلح سودان و نیروهای واکنش سریع، به همراه پیشنهادی برای تحریم تسلیحاتی ارتش و واکنش سریع ارائه خواهد داد.

در همین پیوند، استاد ابراهیم عثمان (یوبولخی)، سخنگوی رسمی حزب‌التحریر در ولایت سودان، در بیانیه‌ای مطبوعاتی اظهار داشت: اگر چنین اقدامی در شورای امنیت به تصویب رسد، بدان معناست که کامی‌پشرفته برای جدا ساختن و تجزیه دارفور برداشته شده است؛ از راه فلج ساختن توان ارتش و بازداشتن آن از بازگشایی دارفور. به نظر می‌رسد فرماندهی ارتش نیز از این نقشه آگاهی دارد؛ چنان‌که جمعه گذشته در شهر المقاتل در ولایت الجزیره، سپهبد برهان تکیه‌ورزید که اعمال تحریرهای تازه علیه سودان و شخص وی در روزهای پیش رو دور از انتظار نیست و یادآور شد که دشمنان سودان خواهان تسلیم و بازانو در آوردن کشورند. اما این سرزمین هرگز سر فرود نخواهد آورد!

وی افزود: آمریکا از رهگذار توافقی‌های آتش‌بس از طریق سند ارائه‌شده مسعد بولاس و اینک با تکلیف برای برقراری منطقه پرواز ممنوع، را به بر بازپس‌گیری دارفور توسط ارتش سودان یکسره می‌پندد و سیطره محمیدی بر آن را تثبیت می‌سازد؛ بدین‌سان آمریکا در حال پیاده‌سازی سناریوی لیبی در سودان است و همان‌گونه که برای جداسازی جنوب سودان زمان صرف کرد، در اینجا نیز همان مسیر را می‌پیماید.

استاد یوبولخی بیانیه خود را با این سخنان به پایان رساند: اهل سودان! پیش از آنکه پشیمانی به پای آید و دیگر پشیمانی سودی نبخشد، چارهای بیندیشید؛ مهار این دو طرف جنگ‌افروز را در دست بگیرید. آنان را به‌طور هم که شده بر مدار حق واردید و حزب‌التحریر را برای برپایی خلافت راشده بر منبج نبوت نصرت دهید؛ چراکه عزت اسلام و مسلمین، خواری کفر و کافران و خشوندی پس بزرگتر الله سبحانه‌وتعالی در آن جای گرفته است.

شورای هماهنگی میان عربستان سعودی و سودان،

حلقه‌ای از حلقه‌های تجزیه سودان

استاد مسیره یحیی محمد نور

هماهنگی تازه‌ای میان عربستان سعودی و سودان در جریان است و ۱۰ پرونده روی میز همکاری جای گرفته است؛ چنان‌که روزنامه الشرق‌الاوسط در روز ششم‌شنبه، ۱۸ اوت ۲۰۲۶، گزارش داد که عربستان و سودان، روز دوشنبه سند تأسیس «شورای هماهنگی سعودی-سودانی» را با هدف ارتقای سطح همکاری میان دو کشور به امضا رساندند.

خبرگزاری رسمی عربستان «واس» گزارش داد: «شاهزاده فیصل بن فرحان بن عبدالله، وزیر امور خارجه و محیی‌الدین سالم احمد ابراهیم، وزیر امور خارجه و همکاری‌های بین‌المللی سودان، در مقر این وزارتخانه در ریاض، سند تأسیس شورای هماهنگی سعودی-سودانی را امضا کردند. این خبرگزاری افزود: «ایجاد این شورا برخاسته از اهتمام دو کشور به ارتقای سطح همکاری و هماهنگی دوجانبه است تا بستری نهادی و کارآمد برای گسترش و تقویت روابط و چارچوبی ساختاریافته باشد که نهادهای ذریط دو طرف را برای دستیابی به نتایج ملموس از طریق ابتکارعمل‌ها، پروژه‌ها و اهداف مشخص گرد هم آورد؛ به گونه‌ای که همکاری و همگرایی را تقویت کرده و آرمان‌های رهبران و دو ملت برادر را محقق سازد.»

از سوی دیگر، وزارت امور خارجه سودان در بیانیه‌ای در شبکه اجتماعی اکس اعلام کرد: «هدف این شورا، پی‌ریزی چارچوبی نهادی، عالی‌تر و فرارگستر برای مدیریت و گسترش روابط دوجانبه میان عربستان و سودان و ارتقای آن به افقی گسترده‌تر از هماهنگی و همکاری در حوزه‌های گوناگون مورد علاقه مشترک است.

این شورا ۱۰ پرونده بنیادین را در بر می‌گیرد که حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، سرمایه‌گذاری، بازرگانی و دیگر بخش‌های همکاری را شامل می‌شود؛ امری که به یکپارچگی دیدگاه‌ها، تقویت مشارکت رسمی میان دو کشور و گشودن چشم‌اندازهایی نوین برای همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری یاری می‌رساند. همچنین انتظار می‌رود این شورا روند اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مشترک را هموار سازد، از تلاش‌ها توسعه‌محور و ثبات‌بخش پشتیبانی کند و منافع متقابل را ارتقا بخشد؛ به گونه‌ای که بیانگر ویژگی‌های خاص مناسبات سودان و عربستان و اهتمام رهبران دو کشور به گسترش ساختارمند و پایدار آن باشد.»

این بیانیه با اشاره به این‌که «امضای این توافق‌نامه در سایه واشگتن فرصت یابد آنچه را می‌خواهد به کرسی بنشاند. ما به مردمان این سرزمین پاک، تاکید می‌ورزیم که عربستان، آمریکای در پس پرده و تمامی غرب کافر، هرگز خیرخواه شما نیستند، بلکه چشم طمع به کشور شما دوخته‌اند؛ سرزمینی آکنده از ثروت‌های آشکار و پنهان. همچنین فرزندان مخلص در ارتش می‌گوییم: نصرت خویش را به حزب‌التحریر واگذارید تا خلافت راشده را بر منبج نبوت برپا سازد؛ تا بدین‌سان گناه سه‌گیتی را که به سبب نبود خلافت بر گردنمان سنگینی می‌کند، از میان برداریم، در انطباق با فرمایش رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «و هر کس بمیرد در حالی که بیتی بر گردن او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است.»

شما را به سوی چنین خیر عظیمی فرامی‌خوانیم؛ تا دیگر بار خورشید عزت غلوع نکند؛ چراکه ما هوادان فاتحانیم، نوادگان سلطان علی دینار؛ همان که جان و نسل خویش را فدای اسلام ساخت. ﴿لَمَّا هَذَا فَبِئْسَ الْفَاعِلُونَ﴾.

جهان جز در برابر آن‌کسی که زمام اراده‌اش در کف خود اوست و راه پاسداری از منافع خویش را می‌شناسد، سر فرود نمی‌آورد

امتی که از ثروت‌ها، موقعیت جغرافیایی و ذخایر انسانی سرشار برخوردار است و توان آن را دارد که شریکی در کانون تصمیم‌گیری‌ها باشد، هرگز شایسته آن نیست که پیوسته در جایگاه افعالی و پذیرش محض فرو نشیند؛ چراکه تأکیدی ملی و اراده راستین، شعاری توانایی بر فراز خطبه‌ها نیست، بلکه موضعی استوار است که در بزنگاه اصطکاک اراده خودی با فشارهای قدرت‌های بزرگ به آزمون گذاشته می‌شود.

تاریخ بر کسانی که سرنوشته میهن خویش را به اراده بیگانگان گره می‌زنند، هرگز رحم نخواهد کرد. هم‌پیمانی‌ها چه بسا دستخوش دگرگونی شوند و منافع باطل ریزگ ببارند. اما در نهایت این ملت‌ها هستند که توان تلخ تصمیم‌های خفت‌بار را بر دوش می‌کشند و کشورهایی که تصمیم‌گیری‌های خویش را بر پایه منافع واقعی خود بنا نهند، هواره خویشتر را در حال پرداخت بهای پیروی کورکورانه از طرح‌های غربی و تسویه صورت‌حساب سیاست‌هایی خواهند یافت که خود کمترین نقشی در پردازش آن نداشته‌اند.

امروز این سرزمین نیازمند مسفنجی‌های تحمیلی تازه‌ای از سوی آمریکا نیست، بلکه به اراده‌ای سیاسی و مستقل محتاج است؛ اراده‌ای که مصلحت امت را بر فراز هر مصلحت دیگری نه و نیک بداند که حرمت و اعتبار جهانی هرگز به فرمان‌بردارانی که تنها به اجرای دستورات بسنده می‌کنند ارزانی نخواهد شد، بلکه ویژه کسانی است که بر نهایت این ملت‌ها هستند که توان تلخ تصمیم‌های خفت‌بار را بر دوش می‌کشند و کشورهایی که تصمیم‌گیری‌های خویش را بر پایه منافع واقعی خود بنا نهند، هواره خویشتر را در حال پرداخت بهای پیروی کورکورانه از طرح‌های غربی و تسویه صورت‌حساب سیاست‌هایی خواهند یافت که خود کمترین نقشی در پردازش آن نداشته‌اند.

«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»



ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در پاریس از بن‌سلمان استقبال کرد؛ در دیداری که میان بررسی بحران‌های خاورمیانه و تحکیم پیوندهای اقتصادی میان دو کشور جمع بست. ماکرون از سرمایه‌گذاری‌های عربستان سعودی به ارزش شش میلیارد یورو برای ساخت سه شهرهای در منطقه سرری پوتوتوار، در نزدیکی پاریس پرده برداشت و این طرح را ادعایی بی‌سابقه توصیف کرد که انتظار می‌رود

۲۲ هزار شغل مستقیم بیافریند. دو طرف همچنین ۲۰ توافق‌نامه دیگر را در زمینه‌های دفاعی، امنیتی، ترابری، انرژی و صنعت به امضا رساندند. در مسأله فلسطین نیز، پاریس و ریاض خواهان پایان دادن به سیاست شهرک‌سازی‌های اسرائیل، شدند که راحل و دکنوری را به خطر می‌اندازد؛ همان مسیری که هر دو سال گذشته کوشیدند بی‌هیچ دستاوردی آن را زنده کنند.

تعلیق، پارادوکس تلخ آن‌جاست که بن‌سلمان در چندان خود شایع‌شمار بیورو سرمایه‌گذاری به پاریس برد، اما در بیانیه پایانی‌اش تنها به فرافروانی زبانی و توطئی برای توفیق شهرک‌سازی‌ها بسنده کرد. شش میلیارد یورو در برابر تنها یک مثن و لا چگونه بعود چنین دعوتی را جدی بگیرد، در حالی که میبندد اموال مسلمانان پاریس را آباد می‌سازد و چرخ اقتصاد بدخواهانشان را به گردش درمی‌آورد؟ بی‌تردید دارایی و مال اگر بر موضعی‌گری پیشی گیرد، آن موضع را از محتوا بی‌نی می‌سازد و از ابزار فشار به نمایش تزئینی بدل می‌کند.

نهادهای ثروت‌های این امت احسان گردن حاکمان آن است؛ اما حتی که پیش از تاریخ، در پیشگاه الله سبحانه‌وتعالی درباره آن بازخواست خواهند شد. اگر این اموال صرف برایی شهروندانی در پاریس و افزایش کلاه‌های سرمایه‌گذاری در پلن‌های غربی شد تا بدان‌که مسلمان در دارفور در محاصره و دست‌نشدی به سر می‌برد و سرمایه‌گذار سعودی در غرب برای بیگانگان فرصت‌های شغلی مستقیم می‌آفریند، همه از آن روست که حاکم چون از وفاداری و به ملت و عقیده خویش تهی گردد، گزیری جز سرسپردگی به دیگران نمی‌یابد.